



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۰۴/۲۱



اسحق نگارگر

بهار بی خزان

بهار بی خزان خواهم که در کابل میسر نیست
در این باغ خزان فرسوده دیگر گل میسر نیست

فراوان قهرمانند در هر گوشه اش اما
دلاور پهلوان چون رستم زابل میسر نیست

پریشان کی کند باد صبا موی نکسویانش
که زیر چادری ها مستی کاکل میسر نیست

نوی جغد از ویرانه ها بسیار می آید
ولی بر شاخسارش قمری و بابل میسر نیست

شرابی کو که شور ورقص و شادی را پدید آرد
در این میخانه ویران دگر آن مل میسر نیست

صفای دیده دل تا پدید آرد در این وادی
گل میخک فراوان است و قرنفل میسر نیست

حساب مه جبینانش اگر صائب نمی دانست
به جز افسردگی اکنون دگر در گل میسر نیست

صراحت رفت این جاوسیاست مبتدل گردید
ز مردان سیاست جز همین قل قل میسر نیست

شب تاریک و دریا سخت طوفانی و من تنه
کجا راهی برم آخر گذار و پل میسر نیست

۱) در فوکلور هندی گفته میشود که قرنفل یا میخک صفای دیده دل است
۲) (من اصطلاح معمول بگو؛ مگو را به قل قل بدل کردم که همان تو بگو و تو بگو یا سرو صداست. ۲۰ اپریل ۲۰۲۰ نگارگر)

د پانو شمیره: له 1 تر 1

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ